

باسمه تعالی

ضرورت های همکاری های منطقه ای در غرب آسیا

قاره کهن آسیا از روزگاران قدیم مهد تمدن های بزرگ، نظیر پارس و چین و بین النهرین و هند بوده است. در خصوص غرب قاره آسیا نیز در روزگاران قدیم و ۲۵ قرن قبل، دریا سالار " سیلاک " هخامنشی گفت : " هر کس بر سه منطقه دریای عمان ، یمن و بحرین مسلط باشد می تواند بر تمام دنیا حکمرانی کند ". این بدان معناست که غرب آسیا به عنوان دروازه تنفس آسیای مرکزی در طول اعصار، مهمترین شاهراه ارتباطی بوده و به عنوان یکی از مقاصد " راه ابریشم " ایفای نقش نموده است. امروز هم این ناحیه به دلیل وجود تنگه هرمز و کانال سوئز دارای ظرفیت های امنیتی ، سیاسی و اقتصادی فراوانی است.

از نگاه ژئواستراتژیکی، پایانه غربی قاره محل تلاقی آسیا، اروپا و آفریقا است که منطقه را به حوزه ای پر اهمیت از جهت هلال اقتصادی، سیاسی و امنیتی مبدل می سازد و در اصل گذرگاه شمال جنوب، وابستگی غیر قابل انکاری به غرب آسیا دارد.

از نگاه ژئواکونومیکی، وجود انرژی سرشار در منطقه خلیج فارس و دریای خزر و منابع کانی فلزی و غیرفلزی غنی منطقه که شامل ۶۵٪ ذخائر نفتی شناخته شده جهان و ۳۵٪ گاز فهرست شده دنیا ارزیابی می شود، موقعیت بی نظیری برای این منطقه محسوب می شود. علاوه بر آن، زیست بوم دریای خزر و امکانات غنی بزرگترین دریاچه جهان با ۴۰ میلیارد بشکه نفت شناخته شده و ۲۰۰ تریلیون فوت مکعب گاز و سواحل غنی برخوردار از صلح و همکاری، امکان جغرافیائی و اقتصادی مهمی به حساب می آید.

ظرفیت های حمل و نقل دریائی منطقه، موقعیت ترانزیتی و وجود قدرتهای منطقه ای دارای ثبات و غیرمتعهد نظیر هند و ایران و پاکستان و چین و روسیه می تواند مجموعه ای مولد و نیز بازاری پرکشش برای همکاریهای منطقه ای ایجاد کند که در قالب سازمان همکاریهای شانگهای و پیمان های منطقه ای

اورآسیا و اکو تجلی " هویت نوین آسیائی" را در برابر هژمون قدرتهای غیرمنطقه ای، مطرح می سازد.

همکاریهای جمعی و منطقه ای آسیائی برای توسعه اقتصاد و برقراری امنیت جمعی و حفظ منافع مشترک، در بستر توانائی های ژئوکالچر منطقه و متکی بر فرهنگ، آداب و رسوم، زبان و خداباوری در این سامان، امکان پی ریزی یک سازه و ساختار محکم "همکاری آسیائی" متکی به زمین و فرهنگ در آسیای میانه و غرب آسیا و نیز در تنگه های هرمز و مالاکا و جنوب هند را بوجود می آورد. این همکاری و اشتراک مساعی منطقه ای با حضور چین و روسیه می تواند ائتلافی آسیائی را از دریای جنوبی چین تا کناره های مدیترانه و خلیج فارس و نیز شاخ آفریقا در بر بگیرد.

پی ریزی خطوط لوله انتقال گاز و نفت از غرب به شرق آسیا و اتصال راههای شوسه و راه آهن مسیر جاده ابریشم می تواند تکیه کشورهای آسیائی را به دریا و تنگه های نه چندان امن دریائی کمتر کرده و به عنوان خط پشتیبانی اقتصادی و تجاری آسیائی و منطقه ای به حساب آید.

از نگاه چین به عنوان یک قدرت نوظهور جهانی و نیز با توجه به رشد و توسعه هند و نیز برنامه های توسعه ای و پیشرفت ایران، توجه به دیواره دفاعی غربی آسیا و پیشگیری از گسترش ناتو به شرق، در میان استراتژیست های چینی مقوله ای شناخته شده است. از این رو، تقویت همکاری در جدار دیواره دفاعی غربی آسیا، با اتکاء به توانایی های ایران، پاکستان، افغانستان، هند و آسیای میانه در قالب طرحهایی نظیر "یک جاده- یک کمربند" ایده چینی های هوشمند است. چینی ها اعتقاد دارند با همکاری چین و روسیه و در قالب سازه هایی نظیر "سازمان همکاریهای شانگهای" می توان نظم نوین امنیتی منطقه ای را جدای از قدرتهای مسلط جهانی پی ریزی کرد و از نفوذ سنتی و تاریخی قدرتهای غیرپاسیفیکی در آسیا کاست.

از طرف دیگر، قدرت های آسیائی اعتقاد دارند در پیوندها و بافت های نوین اقتصادی و امنیتی، عناصر ملی و منطقه ای قدرت در کنار دیپلماسی جمعی می

تواند آسیا را به عنوان قاره ای سرشار از منابع و قدرت، در پیوندی منطقه ای، با کارکرد جهانی، اثرگذار نماید. البته نباید فراموش کرد که با وجود زمینه های همکاری گسترده و امکانات گوناگون برشمرده که به عنوان پایه های اصلی وحدت و صلح و همکاری در غرب آسیا وجود دارند، برخی اختلافات فرقه ای، افراطی گری، تروریسم، قاچاق مواد مخدر و رقابت های منطقه ای می توانند به عنوان عوامل پیشگیرنده امنیت منطقه ای، آسیب جدی به همکاری منطقه ای وارد نمایند.

این خطر با وجود زمینه های روانی انتقال ناامنی از کناره های دریای مدیترانه به قفقاز و آسیای میانه و بخشی از غرب آسیا وجود دارد. از این رو، روشن است که روش پیشگیری از اینگونه تهدیدها، در گرو همکاری اقتصادی و کمک به توسعه کشورهای فقیرتر منطقه و ایجاد کمربندهای اقتصادی و همکاری های فنی و تجاری در قالب "بازارهای مشترک منطقه ای اقتصادی" است. حرکتی که بهتر است با در نظر گرفتن تعرفه های ترجیحی و تسهیلاتی از سوی کشورهای برخوردارتر منطقه تضمین گردد، تا حد متوسطی از برخورداری را در آسیای میانه و غرب آسیا همه گیر نماید. این بدان معناست که توسعه اقتصادی و همکاری در مزیت های اقتصادی و ملی کشورها می تواند به امنیت تولید و امنیت عرضه محصولات و خدمات کمک نماید و پایه های سازه های امنیتی منطقه ای هم مستحکم تر شود.

خلاصه آنکه، برخورداری اقتصادی جمعی و منطقه ای می تواند زمینه های بروز و ظهور تفاوت های مذهبی و قومی و گسل های اجتماعی و پیدایش تروریسم را کمتر کرده و فضای همکاری فراملی و منطقه ای را در " هویت نوین آسیائی" ممکن تر نماید.

" ان شاء اله"